

غلامرضا انصافیپور . انتشارات امیرکبیر . تهران .
۲۵۳۶ . ۷۵۶ صفحه . بها ۱۲۴۰ ریال .

کتاب «ساخت دولت ایران» ، جلد دوم کتاب «تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران از آغاز تا پایان ساسانیان» می باشد . به استدلال مؤلف ، هر دو کتاب در زمرهٔ مجندات دایرةالمعارف جامعه شناسی ایران است ، گرچه از لحاظ زمینهٔ مورد بحث ، در دو موضوع جداگانه نوشته شده و بین مطالب ، ارتباط منطقی محکمی موجود نیست . کتاب دارای بیست و شش بخش است که ترکیب و ترتیب مطالب بخشها با نظم تاریخی ، از اسلام شروع می شود و در دولتهای قبل از مغول ، پایان می یابد . پیشینهٔ چنین مطالعه ای ، به وضع ملت ، دولت و دربار در دورهٔ شاهنشاهی ساسانی می رسد که می توان کتاب مورد بحث را دنبالهٔ آن مطالب دانست .

از مطالعهٔ ساخت دولت در ایران چنین بنظر می رسد که کتاب بیشتر به زمینهٔ تاریخ اجتماعی ایران نزدیک است ، گرچه جنبهٔ تاریخی آن قوی تر بنظر می آید . در علل یابی ، به ظهور و گسترش اسلام آگاهانه توجه شده و عوامل بنیادی ، مانند : انگیزه های تاریخی ، جغرافیایی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و دینی و تعصب قومی را مورد مطالعه قرار داده است . در بحث از انگیزه های مختلف به وجود انگیزه های نظامی ، غنیمت یابی ، جاذبه و شعائر قرآن ، و تشابه مذهبی اسلام و زردشتی ، اشاراتی بیجا دارد . اما همین انگیزه ها که در ابتدا سبب فتوحات زیاد اعراب و اسلام می شود بعداً از مسیر حقیقی خود عدول می کند و در مواردی حالت مال اندوزی بخود می گیرد . مثلاً در تاریخ ها آمده است که : حتی در سالهای ۳۰۰ و ۵۰۰ هجرت هم باز با همان آزمندی ، به شهرها حمله می بردند و همه چیز را از همه جا غارت می کردند و حتی ذره ای هم در اندیشهٔ ترویج اسلام نبودند .

آنجا که از «طبقه» گفتگو می کند ، دو طبقهٔ اجتماعی - اقتصادی (صاحبان امتیازات و بی امتیازان) و نیز علاقهٔ هر طبقه به بقای خود و تعارض بین آنها را مطرح می سازد و نتیجه می گیرد که گروه صاحب امتیاز با به حکومت رسیدن ، اصول دینی محمد (ص) و علی (ع) را تغییر می دهد و اسلام بیت العالی به اسلام کاخ نشینان مبدل می شود و برای اینکه بر مردم حکومت کنند ، بین حکومتها اختلاف افکنده ، و در میان مردم ، هفتاد و دو ملت می سازند .

ساخت دولت در ایران ، صفحاتی را به تاریخ اجتماعی اسلام اختصاص داده متذکر شده که اسلام روش‌روشنی برای حکومت پیشنهاد نکرده و همین امر سبب اختلافات زیاد بین اصحاب ، شده است . اما ساخت دولت بعد از اسلام را بر چهار رکن دانسته اند : والی ، عامل خراج ، قاضی ، و خلیفه . مشاغل دولتی اعم از عالی و دانی به مقتضیات ارثی و خانوادگی ، بعد از پدر به پسر می‌رسد . چنانکه در دولت های سلاطین ایرانی مثل «آلبویه» ، وزارت مثلا از «عمید» به «ابن عمید» و بعد از او به پسرش می‌رسد . «فخرالدوله» هنگام جلوس به تخت سلطنت به «صاحب بن عباد» می‌گوید : «همچنانکه سلطنت حق موروثی ماست ، وزارت نیز حق موروثی شماست .»

در زمان سامانیان هم چند دودمان وزارت پیشه ، وجود داشتند مانند (جهانی ، بلعی ، و عتبی) . (ص ۳۳۱ کتاب) .

شاغلان دولتی به ترتیب اهمیت عبارتند از : وزیر ، دبیر ، قاضی ، ققیه ، والی ، امیر حرس ، شهنه ، (محتسب) حارس ، مفردان ، سیاف ، امنیه ، راهدار ، گمرکچی ، برید ، جاسوس ، وکیل ، نقیب ، مستوفی ، رسول‌دار ، آتش‌نشان ، سقا ، سفیر ، عوان ، خدمتکار ، خوان‌دار ، نساخ ، و خلاصه ندیم ، اطرافیان و شاعران .

دولت و اقلیت‌های دینی و مذهبی بر اساس موازین اسلامی ارتباط می‌یافتند . مثلا ذمی و ... و بالباس و علامات بدنی ، مشخص می‌شدند . اما در زمان سلاطین ایرانی ، آنها هم از حقوق مساوی بهره‌مند شده و حتی به وزارت رسیدند . مثلا یکی از معتمدان «عضدالدوله» مردی زردشتی بود به نام «ابونصر خوشاده» که مسیحی دیگری را به نام «سهل ابن مشیر» به حکومت اهواز فرستاد «(ص ۴۴۵ کتاب) .

ایرانیان گرچه دین اسلام را پذیرا می‌شوند ، سرانجام پس از دگرگونی‌هایی که در آن پدید می‌آید و در نهایت به شکل شیعه اثنی عشری آنرا از آن خود می‌دانند و بعداً در حکومت و خلافت عباسیان خاندانهای برمکی ، نظام امور را بدست ، می‌گیرند و سرانجام حکومت به پادشاهان ایرانی منتقل می‌شود . تجمل پرستی و ظلم و ستم طبقاتی در دوران خلفا و طاهریان باعث بروز پدیده عیاری و راهزنی شد . جوانمردان ، یا عیاران با اعتماد به نفس و با تکیه به نیروی بازو بی باکانه به غوغا و پیکار روی می‌آورند ، و در حقیقت نهضتی بر علیه ستمگران فتودال و اشراف و مرکز خلافت ، بوجود می‌آید . زیرا طبقه روستائی و زحمتکش شهری که اسلام کاست شکن را پذیرفته بود ، کم کم از خراج های بی‌رویه اعراب مسلمان به تنگ آمده و شروع به تعارض کرد ، و حتی خود اعراب ساکن ایران هم جزء ناراضیان بودند و خلاصه کار شبروان بالا می‌گیرد و «یعقوب» از میان آنها به سروری می‌رسد .

گرچه کتاب ، ساخت دولت نام گرفته اما با بررسی آن ، متوجه تغییر اجتماعی

جامعه ایران از لحاظ دینی و سیاسی و نیز تغییر طبقات اجتماعی می‌شویم. در حقیقت با آمدن اسلام طبقات چهارگانه از پیله «کاست» خارج می‌شوند و با اسلام، قدرت می‌یابند، امتیازات زیادی کسب می‌کنند، بنندگان به وزارت می‌رسند، غلامان ترک سروری می‌یابند و عیاران در صف فرماندهان، قرار می‌گیرند. روزی زیرلوی خرم‌دینان و یا مزدکیان و یا آزیار به مخالفت بر می‌خیزند و روز دیگر به طرفداری از اسلام و احقاق حق خاندان علوی، قیام می‌کنند، اما هدف واقعی آنان برانداختن «طاهریان»، «عباسیان»، «خلیفه» و کسب مالکیت زراعی برای کشاورزان و دفع ستم حکام دستکاه خلافت است. «ابوریحان بیرونی» که از منافع فئودال‌ها دفاع می‌کرد، با لحنی عصبانی می‌نویسد که: «دهقانان را فریدون شاه مستقر ساخت اکنون «حسن اطروش» می‌خواهد آنان را برکنار کند تا هر عاصی بی‌نیزمانند «مردم محترم» صاحب زمین شود» (ص ۵۵۵ کتاب).

ماخذ و منابع کتاب نشان می‌دهد که کتابی مهم و پایه وجود نداشته که مورد مراجعه قرار نگرفته باشد. یادداشت برداری از این همه کتاب که معمولاً در یک جا هم یافت نمی‌شود، کاری است که پشتکار و علاقه‌خستگی ناپذیر لازم دارد.

سبک تحریر کتاب بنا به سابقه نویسنده کی مؤلف، چه آنجا که از کتب استتسناخ شده، و چه آنجا که از خود نوشته، تقریباً یکسان می‌نماید. مطلب کتاب در مواردی از موضوع اصلی خارج می‌شود و شرح حال بزرگان جای ساخت دولت را اشغال می‌کند و مطلب راه حاشیه می‌گیرد. تقسیم صفحات به بخش‌ها، و نیز صفحات هر بخش، معیار منطقی مشخصی ندارد و بخش بندی در رابطه با موضوع مورد بحث است. در تدوین مطالب کتاب، مؤلف ابتدا اصولی را می‌پذیرد و بایه‌های تضاد را بر آن قرار می‌دهد و سرانجام نتیجه می‌گیرد، بدون اینکه در موضوع یا موضوعات اصولی شکی بمیان آورد. در پایان مطالعه این کتاب، خواننده از خود می‌پرسد که آیا تمام کتب تاریخی، و روایان کاملاً قابل اعتماد و اطمینان هستند یا نه؟ و کدام روش، پایه علمی و صحت اظهار نظرها را تضمین می‌کند و شاید این نقیصه برای تمام کتب تاریخی، قابل انطباق باشد.

داود کیانی منش